

## نقد هم نمک می خواهد و هم فلفل

نیاز سینما و تلویزیون به برنامه‌ی «۹۰»

چاپ شده در : روزنامه اعتماد

زمان انتشار : دی ماه ۱۳۸۷

چه تلخ است که چنین خنثی و منفعل شده‌ایم. چه معادله معکوسی است که در زمانه بحران فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، فتیله‌ها پایین است و همه نیم‌سوز شده‌ایم. دیدگاه انتقادی تند را افراطی و بی‌ثمر می‌خوانیم و به تبع توصیه‌های مدیران دولتی که مدام می‌گویند نقد باید مشفقانه باشد و تو از کلام‌شان بخوان که نوازش و آرامش می‌خواهند، نه نقد، به همه چیز با مدارا می‌نگریم و آمادگی پذیرش گزاره مخدري چون «همین است که هست» را به مردم می‌دهیم.

سال‌ها و بارها در تلویزیون این بحث مطرح شده که سینمای ایران به برنامه‌یی با نمک شور و فلفل تند برنامه فوتبالی «۹۰» نیاز دارد. رادیو گفت و گو مدت‌هاست به کوشش فرزاد حسنی، چنین برنامه‌یی دارد با عنوان «سینماصدا»؛ و از میزان جسارت ستودنی این برنامه همین بس که خود من هربار درباره هر فیلم مبتذل این سینما، محافظه‌کاری و مصالحه‌کاری اسفبار انجمن منتقدان با نگاه رسمی، تلقی یکسویه آموزش و پرورش یا نیروی انتظامی از فیلم‌ها و مجموعه‌هایی که به فعالیت‌های این نهادها اشاراتی دارند، کجروی مسئولان در تبیین مفاهیم باب طبع‌شان چون سینمای ملی، سینمای معناگرا و غیره، صریح و بی‌واهمه گفته‌ام و مهمان مقابل یا خود حسنی، دیدگاه‌های دیگر را نیز مطرح کرده‌اند و به‌سیاق «۹۰»، دور از احتیاط و شعار و «کوتاه‌بیا»، همدیگر را و شرایط فرهنگی را نقد کرده‌ایم. تلویزیون طبعاً دامنه و بردی بس وسیع‌تر دارد و شکل‌گیری برنامه‌یی مشابه در یکی از شبکه‌هایش می‌تواند به یکی از بزرگ‌ترین اتفاقات مرتبط با «جسارت و مسئولیت نقد» در جامعه سینمایی ما – به همان بزرگی اتفاق ابداع «زرشک زرین» توسط بنده و دوستانم در دوران فاعلیت انجمن منتقدان – بیانجامد. وانگهی در مسیر پیگیری چندباره و اصرار به تلویزیون برای راه‌اندازی این اتفاق، نگرانی بزرگی وجود دارد که مدام مانع کوشش همه‌جانبه ما می‌شود: در شرایطی که تلویزیون با افراطی تعجب‌آور، حتی حجاب کامل و سفت و سخت سینمای این روزهای ما را نیز کافی نمی‌داند و مسئولان دو عرصه می‌کوشند در خدمت‌گزاری به مسئولان فرادست – و نه

مردم - از هم پیشی بگیرند، دور نیست که «۹۰» سینمایی در دستان سیما به سرعت به ابزاری برای تضعیف کلیت سینمای ایران و تهدید حیات و تحدید همین آزادی ناچیز فعلی بدل شود. ضایعه‌یی که با دو سه برنامه «شیشه‌یی» رضا رشیدپور رخ داد و متأسفانه خود او هم واقف نبود که اصرارش به صراحت صمیمانه، به طرح مناظر مطلوب نگاه رسمی و مسئولان سازمان از ناسلامتی جامعه هنری و حسادت‌های جاری در فضای سینما و ... منتهی شده. سینمایی که همزمان «دل‌داده» و «چارچنگولی» و «دلشکسته» و «خواستگار محترم» را روی پرده می‌فرستد و فیلم و فیلمساز مدعی تکنیک‌شناسی و ژانرفهمی‌یش «احضارشندگان» است و فیلم مثلاً جدی و فاخرش معجون مجعولی چون «آتش سبز»، و تازه مسئولانش شعار می‌دهند که در دوران کار ما ابتدال اکران نخواهد شد، البته که باید چوب نقد سیاستگذاری‌ها و بحران خلاقیت دست‌اندرکارانش را بخورد. ولی اگر بنا باشد به جای مردمی‌شدن جدل‌های درون‌گروهی اهل سینما، مسئولان صدا و سیما از فاش‌سازی تنگناها و تنگ‌نظری‌های فضای سینما سود سرشار سیاسی ببرند، ما عجالتاً به همین خصوصی ماندن مباحث‌مان رضایت می‌دهیم؛ حضرت حافظ می‌گفت: «بیار باده و اول به دست حافظ ده / به شرط آن که ز مجلس، سخن به در نرود».

ولی مگر این ناهنجاری‌ها فقط متعلق به سینماست؟ مگر خود تلویزیون در برداشتی که از مفهوم معنویت و نوع طرح آن دارد، دچار سوء تفاهم ریشه‌یی نیست؟ مگر تکرار قصه مرد دوزنه در این همه فیلم و سریال، داستان‌های متکی به اختلاس‌های چندصد میلیاردی که هفته‌یی چندبار دارد در برنامه‌های نمایشی روایت می‌شود، خرید و پخش نازل‌ترین مجموعه‌های تلویزیونی کره و سوریه و ترکیه - که این آخری در کنار هند از مظاهر سخافت در تاریخ سینما و تلویزیون جهان به حساب می‌آید - نیاز به همان نقدهای سیلی‌وار ندارند؟ مگر عملکرد معاونت بازرگانی سازمان و نوع و حجم و دفعات پخش تیزرهای تبلیغاتی حتی در لابه‌لای برنامه‌ها با وجود دولتی بودن سیمای ما، از شبکه‌های تلویزیونی خصوصی کشورهای

اطراف هم بیشتر نیست؟ مگر نگرش و کار معاونت سیاسی سازمان به اندازه یک نهاد حزبی و جناحی مشخص و کاملاً جهت‌دار، موضع‌گیری‌های یکسویه ندارد؟ و مگر در اخبار و گزارش‌هایش سر سوزنی نشان از تجلی مفهوم «رسانه ملی» - جسارتاً عرض می‌کنم که ملت شکل معرب همان واژه مردم است! - به چشم و گوش می‌خورد؟ مگر برنامه‌های نقد مجموعه‌های تلویزیونی جز ناز و نوازشی به‌سیاق همان که مسئولان سینمایی از ما می‌خواهند و گفتم که نامش را «نقد مشفقانه» می‌گذارند، چیزکی دارد؟

پس خود تلویزیون هم به برنامه‌یی چون «۹۰» برای نقد عملکردش نیاز دارد؛ هم‌پای سینمای این روزها و حتی بیش از آن. در این صورتف در صورت نقد یک هفته در میان سینما و سیما پیگیری برای شکل‌گیری «۹۰» رسانه‌ای در تلویزیون، می‌تواند معقول و سودمند باشد. می‌تواند به قول ناخدا خورشید، «آتشی روشن کند که خواجه ماجد و این شهر یک جا توش بسوزن».